



عمل به دستورات شریعت از طریق عقل عملی میسر است

آیت‌الله احمد مبلغی ضمن تأکید بر اهمیت بحث حکمت عملی تصریح کرد: انسان جز از رهگذر عقل عملی و اعتبارات نمی‌تواند با رفتارهای پیشنهاد شده شریعت ارتباط بگیرد.

آیت‌الله احمد مبلغی ضمن تأکید بر اهمیت بحث حکمت عملی تصریح کرد: انسان جز از رهگذر عقل عملی و اعتبارات نمی‌تواند با رفتارهای پیشنهاد شده شریعت ارتباط بگیرد.

به گزارش ایکننا، نشست «حکمت عملی در حکمت متعالیه» صبح امروز ۱۷ آذرماه با سخنرانی آیت‌الله احمد مبلغی، عضو مجلس خبرگان رهبری به همت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برگزار شد.

در ادامه گزیده سخنان وی در این جلسه را می‌خوانید؛

بحث حکمت عملی بحث مهمی است. ما باید از زوایای مختلفی به حکمت عملی توجه کنیم. خصوصا با نگاهی که ملاصدرا و علامه به حکمت عملی افکنده اند، طرح و بررسی این مسئله خیلی ضروری به نظر می‌رسد. بر اساس دیدگاه علامه، عقل عملی آنقدر مهم و اساسی است که نبود عقل عملی مساوی با خمودی و رکود حیات و دین است. وقتی بشر می‌خواهد دین را عملیاتی کند، باید حتماً به عقل عملی بها بدهد، چون عقل عملی، پل میان انسان و حیات و دین است. بنابراین عقلی عملی نیازمند بررسی دقیق است. رابطه عقل عملی و دین

در ارتباط با بحث رابطه عقل عملی و دین باید عرض کنم که در دو جا دین به عقل عملی مرتبط می‌شود؛ یکی اینکه بخش زیادی از دین ناظر به اجرا و عمل است. روز جزا روز جزای عمل است و انسان جز از رهگذر عقل عملی و اعتبارات نمی‌تواند با رفتارهای پیشنهاد شده شریعت ارتباط بگیرد؛ این یک ارتباط دین و عقل عملی است. ارتباط دیگر این است که اصلاً بدون عقل عملی، ارسال دین رخ نمی‌دهد. ارسال دین برای بشری است که می‌باید او را بگیرد. اگر بشر عقل عملی نداشته باشد دین برای چه بیاید؟ اگر دین صرف عقاید است ملائکه بهتر از ما عقاید را بلد هستند.

وجه سومی هم برای بیان دلیل نیازمندی به عقل عملی وجود دارد و آن این است که علامه معتقد است یکی از اعتبارات پایه و مبنا متابعت علم است. مقصودش از متابعت علم این است که حد واقعیت بیرونی را به علم بدهی. در نتیجه با علم، معامله واقع می‌کنیم و علم را واقع فرض می‌کنیم. علامه این بحث را در اعتبارات بیان کرده است که از نتایج عقل عملی به شمار می‌آورد. اینجا یک سوالی مطرح می‌شود؛ حرف من این است شما چطور صورت ذهنی را با واقع متابعت می‌دهید؟ آنجا یک اعتباری صورت می‌گیرد. پس ما دو سنخ اعتبار داریم یکی اعتبارات پایه و ریشه و دیگر اعتبارات مربوط به عقل عملی که قسیم عقل نظری است. اصلاً گویا طبق این نگاه، عقل عملی جایگاه اولی و اصلی پیدا می‌کند. اگر اینطور باشد در ریشه و اساس نیاز به عقل عملی داریم و عقل نظری هم نیازمند عقلی عملی است. به هر حال اگر این نظر را بپذیریم به سه زاویه به عقل عملی نیاز داریم.

تا اینجا بحث مقدمه بود که نشان دهیم عقل عملی اهمیت دارد. از اینجا به بعد دو حوزه از بحث را باز می‌کنم. در این جلسه نگاه تعریفی به حکمت عملی از دیدگاه ملاصدرا خواهیم داشت. از دیدگاه صدرا دو نوع حکمت داریم که باید رابطه اینها را از هم بازشناخت. یکی حکمت معرفی است و یکی حکمت خلقی است. پس ما دو نوع حکمت داریم. ایشان این مطلب را در قالب یک نقد به بسیاری از کسانی که به اشتباه افتادند تکرار می‌کند. حکمت خلقی، یک خلق نفسانی است که جزء فلسفه نیست. آن چیزی که در کنار فلسفه نظری مطرح می‌شود معرفت و شناخت به ملکات است، نه خود ملکات.

لازم است درباره این تعریف، نکاتی بیان کنیم. نکته اول این است که ما یک حکمت عملی داریم و یک حکمت نظری. رابطه حکمت عملی و حکمت نظری چیست؟ نکته اول این است عقل نظری چه کاری می‌کند، عقل علمی به چه کار می‌کند؟ به اعتقاد ملاصدرا به واسطه عقل نظری تصورات و تصدیقات درک می‌شود و حق و باطل شناخته می‌شود. عقل عملی هم عامل استنباط همه حرفه‌ها و صنایع انسانی است و همه اینها ذیل عقل عملی قرار می‌گیرد. یک بحث مهم هم این است که رابطه حکمت عملی اخلاقی با عقل عملی چیست. این بحث اساسی است که وضوحی در کلام ملاصدرا ندارد. پس تا اینجا روشن شد عقل نظر مدرک تصورات و تصدیقات است و عمل عملی عامل استنباط حرفه‌ها و صنایع است. عقل عملی ممیز انسان از حیوانات است

نکته دوم اینکه ملاصدرا دو قوه برای نفس می بیند؛ یعنی هم عقل عملی و هم عقل نظری را دو قوه برای نفس می بیند. نکته سوم این است که هر کدام از این قوا، یک خاستگاه دارند که از آن خاستگاه، فعالیتشان را شروع می کنند. یک خاستگاه فوقانی نفس و یک خاستگاه تحتانی نفس. حکمت نظری به جایگاه فوقانی تعلق دارد و حکمت عملی به جایگاه تحتانی تعلق دارد. نکته چهارم این است که از دیدگاه ملاصدرا همانطور که عقل نظری ممیز انسان از سایر موجودات است، عقل عملی هم همین گونه است و ممیز انسان است.

نکته دیگر درباره عقل عملی این است که عقل عملی، خادم عقل نظری است و در خدمت آن است. یعنی چه در خدمت آن است؟ یعنی اگر فقط عقل نظری داشته باشید کاری جز نگاه کردن از شما بر نمی آید. آنچه ما را به سمت عمل می برد و دنیای عمل را به روی ما باز می کند و حقایق و اعتقادات را در جهت خلیات قرار می دهد، حکمت عملی یا عقل عملی است.

نکته پنجم این است که عقل عملی یا حکمت عملی مستعین به عقل نظری است. این استعانت چیست؟ طبیعتاً یک نحو استعانت این است که ابتدا شما ادراک حقایق می کنید. اگر آن حقایق رخ ندهد عقل عملی بی معناست. شما می خواهید به سمت هر شیئی بروید و حکمت عملی داشته باشید که مسیوق به یک حکمت نظری است.